

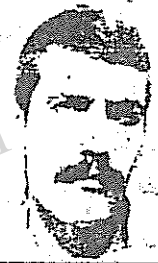
شماره ۳۲ قیمت ۵۰ ریال ★ اردکان کمیته کردستان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ★ سال چهارم شهر پور ۶۵



جاودان باد یاد رفقائی شهید

علیرضا مدیری و حمید زارع پور
(کاله مجد) (کاله سعید)

جوانه های نسل نوین بیکار جوانان کمونیست



کردستان در آستانه شروع هشتمین سال جنگ ایران و عراق

اعلامیه های کمیته کردستان
درباره عملیات پیشمرگان

بمناسبت آغاز چهارمین سال انتشار
نشریه **بیگانه گریه**

★ انفجار مین

۴۴ صفحه

★ کمین مزدوران پایگاه
هلیشان ناکام ماند

نکته و نظر

انشعابات حزب توده

۱۲ صفحه

دانش آموزان، جنگ و
سال تحصیلی جدید

آخبار جنبش
۲۸ صفحه

آزادی، استقلال، حکومت شورایی

فرزندان و خانه و کاشانه خود دریغ نکرده‌اند و از طرفی در جنگ ایران و عراق خواستار قطع جنگ و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

۲۱ شهریور ماه امسال جنگ ایران و عراق وارد هفتمین سال حیات مرگبار خود شد. در حالیکه سابقه شروع جنگ در کردستان به

کردستان در آستانه شروع هفتمین سال جنگ ایران و عراق

می‌باشند. از آنجا که سیاست‌های رژیم در هر یک از این دو جنگ بر یکدیگر تاثیر گذارده و مکمل هم می‌باشند، لذا برای پیشبرد موثر مبارزه علیه جمهوری اسلامی در کردستان باید نگرش درستی از سیاست‌های جنگی رژیم در این منطقه داشته باشیم. این مسئله با توجه به گسترش جبهه‌های جنگ از مرزهای جنوبی به مناطق مرزی کردستان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. اما قیل از آنکه بخواهیم مختصات این سیاست را در منطقه کردستان توضیح دهیم باید چهارچوب‌های کلی سیاست جنگی رژیم را روشن سازیم.

صریح‌ترین و روشن‌ترین تعریف سردمداران رژیم از جنگ ایران و عراق را باید در همان

عید سال ۵۸، یعنی آغاز حمله جمهوری اسلامی به کردستان بر می‌گردد. در طی این مدت مردم کردستان همزمان با دو جنگ روبرو بوده‌اند، یکی جنگ عادلانه قوای مسلح پیشمرگه علیه رژیم جمهوری اسلامی که بیروزی در آن می‌تواند به بسط دموکراسی و کسب حقوق ملی خلق کرد منجر گردد و دیگری جنگ ارتجاعی ایران و عراق که شکست یا بیروزی آن هیچ نفعی برای توده‌های مردم نداشته و تداوم آن علیه منافع آنان عدل می‌کند. کارگران و زحمتکشان کردستان با آگاهی از این وضعیت خواهان هرچه شعله‌ور تر شدن جنگ عادلانه و انقلابی پیشمرگان علیه جمهوری اسلامی بوده و در این راه از فشار

جمله معروف خمینی جستجو کرد که می‌گفت "جنگ برکت است" . این سخنان که در اوایل جنگ ایران و عراق گفته شد اینک معنای واقعی خود را هرچه بیشتر نمایان می‌سازد. آنچه برای اکثریت عظیم توده‌های میهن ما مرگ و نیستی است، برای رژیم فقه‌پسند برکت است. این برکت در وجوه مختلف سیاست‌های رژیم در چند سال گذشته تجلی می‌یابد. گسترش سرکوب داخلی و لغو هرگونه حقوق سیاسی اجتماعی توده‌های مردم، میلیتاریزه کردن اقتصاد کشور به بهانه جنگ، گسترش و تثبیت سپاه پاسداران بمثابه ارگان سرکوب ویژه روحانیت و تثبیت قوانین ضدکارگری همه از برکات این جنگ می‌باشند. ولی روحانیت حاکم "عدالت طلب" است! و می‌خواهد این برکات را که اینک در ایران همه از آن بهره می‌برند به تمام کشورهای جهان نیز صادر کند، چرا که او بخوبی می‌داند که

نهضت اسلامی اگر در ایران محصور بماند چاره‌ای جز شکست نخواهد داشت و لذا در تکاپوی فراهم ساختن متحدین جدیدی می‌باشد. رشد جنبش ارتجاعی پان اسلامیستی در خاورمیانه که عمدتاً حول طرفداران ایران شکل گرفته اینک رژیم را در سودای پیروزی در جنگ و تبدیل عراق به پایگاهی برای گسترش این جنبش فرو برده است. همانطور که در بیست و هشتمین شماره "نشریه" راه کارگر" ارگان مرکزی سازمان گفته شده "بیدایش نهضت‌های پان اسلامیستی مبین مرحله نوینی در تعمیق و گسترش انقلابات و جنگ‌های داخلی در آسیا و آفریقا و عدم کارآیی ابزارهای کنونی بورژوازی برای سرکوب نهضت کارگری و توده‌ای است. از این رو پان اسلامسم علیرغم تناقضهای خود با امپریالیزم، در شرایط بحران کنونی نظام جهانی سرمایه‌داری و خیزش‌های انقلابی وسیله‌ای موثر در خدمت

مرگ بر جنگ! زنده باد صلح! زنده باد انقلاب!

تحکیم منافع بورژوازی و سرکوب
نهیست کارگری است" .

جمهوری اسلامی که دوره‌های
گذشته امیدوار بود که از طریق
تداوم جنگ و غمناک‌های اقتصادی و
تضادهای داخلی، دولت عسراقی را
ساقط کند اینک به این نتیجه رسیده
که این راه‌ها با توجه به کمکهای
جهانی وعدم انزوای عراق در صحنه
بین‌المللی نمی‌تواند منجر به
سرنگونی آن گردد و لذا اینک
سیاست فتح نزدیک را به محور سیاست
جنگی خود تبدیل کرده است. رژیم
از طریق این سیاست همچنین
می‌خواهد آن بخش از بورژوازی
و نیروهای خرده بورژوازی در ایران
را که خواهان صلح هستند به سمت
" صلح فاتحانه "، یعنی صلحی که
پس از سرنگونی رژیم عراق حاصل
آید سوق دهد .

تجزیه حملات قبلی رژیم نشان
داده که تهاجم‌های منطقه‌ای هر
چقدر هم قوی باشند، توانائی شکست
عراق را نخواهند داشت و لذا
اینک رژیم نقشه حمله سراسری و
به عبارت دیگر حمله از همه
جبهه‌های موجود را دارد. پس از

شکست عملیات والفجر ۹ که در
مناطق مرزی کردستان صورت گرفت،
رژیم توجه خاصی به این منطقه
به منظور ساختن جبهه‌ای نوین
علیه عراق مبذول داشته است .
در اجرای این سیاست یکی از
مواعی که مقابل رژیم قرار
دارد، وجود و فعالیت نیروهای
مسلح بیشتر که در سرتاسر کردستان
می‌باشند. لذا رژیم نمی‌تواند
بدون درگیری و سرکوب این نیروها
سیاست خود را در این منطقه به
پیش ببرد. وجه دیگر سیاست
رژیم صدور و پشتیبانی از جنبش
بان اسلامیستی در منطقه می‌باشد.
رژیم اسلامی همواره قصد دارد از
تمام امکانات و نیروهای موجود
در جهت گسترش جنبش ارتجاعی بان
اسلامیسم استفاده نماید و
همانطور که تجربه نشان داده این
جنبش پس از به قدرت رسیدن یکی
از اهداف اولیه خود را سرکوب
همه جریانات غیر اسلامی قرار
میدهد. شاهد بودیم که چطور
طرفداران رژیم ایران در لبنان،
ابتدا از طریق ائتلاف و نزدیک‌سازی
با بعضی جریانات فعال در منطقه

کشور را در انتخاب حکومت
 مطلوب خود آزاد خواهیم گذارد
 و در دستگاههای تبلیغاتی خود
 دم از حمایت از جنبش کردهای
 مسلمان عراقی میزنند؟!
 تبدیل شدن کردستان به
 جبهه نوینی در نبرد ایران برای
 مردم این منطقه پیامدهای ناگواری
 داشته که از آنجمله می توان به
 توپ باران شدید روستاهای مرزی
 و تخلیه اجباری برخی از آنان،
 بمباران شدید شهرهای کردستان
 مانند بانه، سنندج و مهاباد و
 موج گرانی و بیکاری و کمبود مواد
 مصرفی، کمبود آرد و سایر ارزاق
 اشاره نمود. کمبود سوخت و
 بخصوص بنزین در ماههای اخیر
 در کردستان تنها گوشه ای از
 نتایج این سیاست رژیم بود.
 افزایش رفتار رژیم برای سرباز-
 گیری در منطقه کردستان علیرغم
 آنکه در چهارچوب کلی سیاستهای
 جنگی آن می باشد ولی جنبه دیگر
 آن استفاده احتمالی از این
 نیروها (بنا توجه به آشنایی به
 مناطقی کوهستانی) برای گسترش

بد تدارک قوا برداختند و اکنون
 پس از بدست آوردن نیروی لازم،
 بایکایک نیروهای دیگر در لبنان
 که سدراهی برای پیشبرد سیاست
 های این جنبش ارتجاعی است وارد
 مناسبات خصومت آمیز و جنگ شده اند.
 چنانچه اینک یکی از مخوزه های
 اختلاف ایران با سوریه درگیری
 مسلحانه طرفداران ایران با
 نیروهای هوادار سوریه در لبنان
 می باشد. همچنین بنیاد داریم که
 "خامنهای" رئیس جمهور رژیم
 اسلامی درست پس از فتح خرمشهر
 که رژیم را دچار توهم سرنگونی
 بی درنگ دولت عراق کرده بوده،
 اعلام کرد که مادر صورت سرنگونی
 رژیم عراق اشتباهی را که در
 مورد کردهای ایرانی کردیم، در
 آنجا تکرار نخواهیم کرد. منظور
 خامنهای از سخنان مزبور آن بود
 که اگر در کردستان ایران
 یکی دو ماهی در سرکوب جنبش
 متعلل کردیم در عراق جنبش
 اشتباهی را نخواهیم کرد. اینست
 همان سردمداران لحن خود
 را عوض کرده و می گویند در صورت
 سرنگونی دولت عراق ما مردم این

حاضر و مقطع فعلی دعوت به قیام مسلحانه کنیم. به عبارت دیگر در برابر سیاست تبلیغ صلح فاتحانه سیاست ما تبلیغ شکست طلبی انقلابی، برادری خلقهای ایران و عراق و صلح بدون الحاق طلبی "می باشد. این امر تر کردستان بصورت شعله و رساختن مبارزه توده های انقلابی علیه جمهوری اسلامی به پیش میرود. تقویت و گسترش مبارزه مسلحانه در مناطق مختلف کردستان نیزه گامی است در این زمینه.

در شرایط فعلی یکی از عمده ترین محورهای درگیری رژیم با توده های مردم، مسئله سربازگیری می باشد. این مسئله که اکنون هم در شهرها و هم در روستاهای کردستان باعث درگیری های فراوانی بین رژیم و جوانان انقلابی و خانواده های آنان گردیده، اینک ابعاد نوینی پیدا کرده است. لازم به تذکر است که تهاجم رژیم برای سربازگیری در سطح کل ایران، به اجرا درمی آید و تنها خاص کردستان نیست مادر شماره ۲۴ نشریه

جنگ به مناطق کرد نشین عراق می باشد. تغییر سیاست رژیم از جنگ فرسایشی به فتح نزدیک، بدون شك در تاکتیکهای مادر رابطه با آن تاثیر می گذارد. علی رغم آنکه همچنان "صلح" عمده ترین خواست ما می باشد ولی از این پس باید شعار "صلح" در رابطه تندگانک با شعار سرنوینی رژیم مطرح گردد، چراکه رژیم می خواهد تا بیانات صلح طلبانه توده ها را اینک در جهت صلح توأم با فتح سوق دهد و بدین طریق با مؤدع اتمام جنگ آنان را بسیج کرده و به گوشت دم توپ سیاستهای جنگی خود بدل کند. ما در مقابل این مانور رژیم بایستی شعار تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ برای آزادی و سوسیالیزم را مطرح کنیم و به توده های مردم توضیح دهیم که تداوم این جنگ محصول موجودیت رژیم است و حتی اگر این جنگ پایان یابد رژیم به جنگهای دیگری دست خواهد زد. این سیاست به معنای آن نیست که توده ها را در لحظه

توده‌ای سه‌ماهه دوم سال مشاهده می‌کنیم که مسئله در حال حاضر از حد سربازگیری اجباری فراتر رفته و در سطح بسیج عمومی جنگی رژیم مطرح می‌باشد. اگر در مناطقی روستایی در اثر مبارزات دلاورانه پیشمرگان کردستان و کمبود نیروی جنگی، رژیم فقها سیاست تسلیح اجباری را به پیش می‌برد، در شهرها، تحت عنوان "واجب" خواندن رفتن به جبهه‌ها به شیوه‌های مختلف دست به بسیج اجباری می‌زند. این بسیج جنگی کارگران، کارمندان و سایر اقشار وابسته به دستگاه‌های دولتی و حتی دانش‌آموزان و دانشجویان را نیز شامل می‌گردد. لذا در دور جدید خطر بسیج جنگی تنها جوانان را تهدید نمی‌کند. بنا بر این یکی از عرصه‌های تبدیل جنگ به جنگ برای آزادی و سوسیالیسم در کردستان مقابله با سیاست سربازگیری رژیم می‌باشد. این مقابله با توجه به جو انقلابی در کردستان

"ریگای کزیکار" مورخ خردادماه امسال در مقاله‌ای با عنوان "تهاجم رژیم برای سربازگیری و تسلیح اجباری توده‌ها را درهم بشکنیم" ضمن ارائه جمع‌بندی سه‌ماهه اول سال جاری در زمینه مبارزه توده‌ای حول مسئله سربازگیری و تسلیح اجباری گفتیم که "آنچه سیاست‌های رژیم در این دور را از سایر ادوار گذشته متمایز می‌سازد، این است که برخلاف گذشته که رژیم بصورت منطقه‌ای دست به سربازگیری می‌زد، اکنون در تمام مناطق کردستان و سایر شهرها و مناطق ایران نیز این سیاست را به اجرا درمی‌آورد. ولذا مشمولین قادر نخواهند بود که به مناطق دیگر ایران پناه ببرند. اینک جوانان از شهرها به روستا و از روستاها میانی به روستاها نوار مرزی فرار می‌کنند و در این مناطق نیز در حال تعقیب و گریز با رژیم می‌باشند. اکنون پس از بررسی و جمع‌بندی مبارزات

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

پیشمرگان در مناطق مختلف کردستان و شکست رژیم در پیشبرد سیاست بسیج جنگی در حد مطلوب خود و از هم اکنون زمزمه های شکست سیاست فتح نزدیکتر را در میان سردمداران رژیم به راه انداخته است. صلح با ایدارتنبا از طریق گسترش مبارزه توده ای علیه جمهوری اسلامی تحقق می پذیرد پس با تمام توان در این راه به پیش روییم!

و وجود و فعالیت نظامی پیشمرگان از زمینه های عینی مناسبی برای موفقیت برخوردار است. مسئله سازماندهی مبارزات توده ای و تلاش در جهت گسترش آن تنها به سر بازگیری محدود نمی گردد. اینک کمیون آرزان و گرانی ناشی از جنگ و در نتیجه کاهش منظم سطح زندگی توده ها از جمله مسائلی است که مبارزات وسیعی حول آن شکل گرفته است. شرایط موجود کردستان زمینه بسیار مساعدی برای رشد و گسترش مبارزات توده ای در سطوح گوناگون بوجود می آورد. سازماندهی مبارزات کارگران کرده، مقابله با فشارهای رژیم به خانواده ها پیشمرگان و سازماندهی مبارزات دهکدداران و زحمتکشان ناشی از شهرها که زمینه مساعدی برای شورش های توده ای دارند از دیگر عرصه های فعال مبارزات توده ای در شرایط فعلی می باشد.

کمکهای مالی دریافت شده

مبلغ	کد
۲۰۰۰ تومان	حجر
" ۲۳۰۰	نیما
" ۲۵۰۰	شوات
" ۲۵۰۰	یرویز
" ۵۰۰	ربوبار
" ۲۵۰	رفیق ح
" ۲۰۰۰	برادر پیشمرگه، م

مقاومت توده ای سراسری کارگران و زحمتکشان ایران علیه جنگ و رژیم جمهوری اسلامی در ماههای اخیر و انزای عملیات

جاودان باد یاد رفقای شهید

علیرضا مدیری و حمید زارع پور
(کاک مجید) (کاک مسعود)

جوایز نسل نوپیت پیکار جوانان کمونیست

چنان بی دریغ وجود خود را فدا کردند که شراره های آن همه وجودشان را فرا گرفت و آبدیده شدند و به نطقه های تالش برای برپائی آتشفانی عظیم تر از بهترین بدل گفتند. رفقا: علیرضا مدیری (کاک مجید) و حمید زارع پور (کاک مسعود) از گلنهای سرسید این نسل عاشقان پرشور و پاکباخته بودند. اما افتوس که سازمان ما آنان را در آغاز راه پیمائی در جهت تیرد قطعی از دست داده. تاکی نیست! چرا که آتشفان همچنان می غرد... و ما بسیاریم!

★ رفیق علیرضا مدیری (کاک مجید) عضو برجسته و کادر نظامی سازمان و همسرنگر مدیق و وقادار

روز دوازدهم شهریور ماه، در جریان توپ باران یکی از مقررهای سازمان توسط دولت عراق، دوتن از رفقای برجسته، دوتن از اعضای مدیق و پرتالش راه کارگر، رفقا: علیرضا مدیری (کاک مجید) و حمید زارع پور (کاک مسعود) به شهادت رسیدند. بابه خاک افتادن این دو عضو برجسته سازمان و این فرزندان پاکباخته کارگران و زحمتکشان سازمان ما دوتن از بهترین همزمان خود و کمیته کرستان دوتن از مسئولین مجرب و توانای خود را از دست داد.

آتشفان انقلاب جامعه ما در دور اخیر جوانانی بسیار را به همراه خود به جوشش برآورد؛ شماری از آنان



نیمه راه متوقف نمایند و سنگر به سنگر، سربلند و سرفراز در کوزان مبارزه به پیش آمد و آبدیده شد.

علیرضا جوان پرشور و محبوب محله، در گام بعدی به مبارزه سیاسی سازمان نیافته پیوست و بعنوان یکی از اولین رفقای راه کارگر در پرورد، از سال ۵۸ فعالیت خود را آغاز نمود. در دوران فعالیت علنی نیروهای سیاسی در پرورد، چهره صمیمی و بیجان ساده و مردمی رفیق علیرضا مدیری و قاطعیت او در دفاع از مواضع

راه کارگر، در سال ۱۳۴۱ در يك خانواده زحمتکش در شهر پرورد بدنیآ آمد. از کودکی در محیط محلات فقیر نشین، با کشاورزها و نامالیسات زندگی زحمتکشان جامعه ما پرورده شد. روحیه سرکش و وجود پراز مهر و عاطفه اش او را به یکی از جوانان پر شور و دلسوز برای دوستان و مردم خویش بدل ساخته بود. از اینرو با آغاز مبارزات ضد سلطنتی و چپ‌نشینهای انقلابی زحمتکشان در دوران قبل از قیام، رفیق علیرضا مدیری جزو اولین جوانانی بود که به این موج خروشان پیوست و خیلی سریع به یکی از فعالین جنبشهای دانش آموزی و جوانان محلات زحمتکش نشین شهر خود تبدیل شد.

علیرضا که تمام دوران کودکی خود را تحت انواع فشارها و مصائب اجتماعی که از جمله خانواده و محله آنها نیز احاطه کرده بود، پرورش یافته و هیچگاه سردر برابر آن فرود نیاورده بود، تجمع عشق و عاطفه ای پاک و جدیتی بی امان نسبت به رهائی زحمتکشان بود. به همین خاطر بود که علیرضا در

انقلابی سازمان، در ضمن همشهره کسانی که از دورتیا نزدیک با او پی‌خوردی داشته‌اند به یسار مانده و خواهد ماند.

رفیق علی‌رضا مدیری طی دو سال فعالیت منظم و پیگیر خود در بخش دانش‌آموزی و تبلیغات تشکیلات سازمان در برود کرده همیشه یکی از ستونهای اصلی این عرصه از فعالیت بود. و این قبل از همه به این خاطر بود که شور و شوق و علاقه و پیگیری او نسبت به پیشبرد فعالیت تاثیر بسزائی در انجام وظایف محوله و حتی نیز فعالیت سایر همزمانان بجای گذاشت. در این دوره علی‌رضا چندین بار متکی به هوئیاری و دکاوتی قابل تحسین توانست تا موفقیت از تورهای دستگیری دسته‌های سرکوب و آراگانهائی مسلح رژیم خود را برهاند و از این‌تور تحت بی‌گسرد شدید رژیم قرار داشت. سالهای فعالیت علنی به پایان نرسید نزدیک میشد و آغاز شرایط سرکوب پس از آن مجرداً در اولین عرصه آزمون خدی بود که خود را استیمن همه آنهايي که به مبارزه روی

آورده بودندند محک می‌خورد. اما علی‌رضا چنانکه گوئی از ابتدا برای دشوار ثباتی به مراتب بیشتر از این خود را آماده کرده باشد بی آنکه خم به ابرو و بی‌آورد و با شوری دوچندان به فعالیت خود ادامه داد تا جائیکه دیگر امکان ماندنش در برود نرسد نبود. از این‌تور به ناچار برای ادامه فعالیت باید به جتای دیگری می‌رفت. در این رابطه از پائیز سال ۶۰ به تهران منتقل شد.

یکسال اقامت او در تهران همزمان بود با هجوم افسار گسیخته رژیم و مقطعی که سازمان مارکس شدیدترین حملات خود را حفظ کرد و برای شرایط جدید و ادامه فعالیت آماده می‌ساخت. در این دوره یکساله نیز علی‌رضا همچنانکه از او انتظار می‌رفت در بدترین شرایط همواره نقطه اتکا دوستان و رفقاییش بود. در این دوره که برخی از فعالین محله زندگانی به شکل و یا حتی بولی برای تامین هزینه زندگانی خود نداشتند علی‌رضا با از خود گذشتگی و نداد کارهای

کم نظیر از وجود خود مایه
می گذاشت به یاری رفقاییش
می شافت .

اوسال ۶۱ تقاضای انتقال به
کردستان را با تشکیلات مطرح
ساخته خیلی زود با او موافقت
شده رفیق علیرضا مدبری پای به
کردستان نهاد و عضو و مسئولگری
با ارزش به پیکره تشکیلات
کردستان افزوده شده نقش خود
را در استخوانبندی تشکیلات
کردستان یافت و کاک مجید نام
گرفت او خیلی سریع با تمام
زوایای محیط جدید خود را منطبق
ساخته و این را باید بحق از زمره
برجسته ترین خمایل او قلمداد
کرد. توانائی او در درک مسائل
تازه و انطباق با شرایط جدید
فعالیت او را در همه جا به یکی از
مجربترین رفقای تشکیلات در عرصه
های گوناگون فعالیت بدل ساخت.
در کنایه این، جسارت و فداکاری او
عامل مهمی بود که کاک مجید متکی
به آن توانست خصوصاً در حوزه
فعالیت نظامی سرعت رشد کرده و
به یکی از مسئولین این بخش
تجدیدیل شود. از این پس در بسیاری

از عملیاتها و مأموریتها صدای
رسا و جدی کاک مجید بود که خطاب
به پیشمرگان آنانرا هدایت
میکرد و این وجود سراپا عاطفه و
نشاط او بود که نقطه اتکای همه
همرزمان و پیشمرگان تحت فرماندهی
اش بود. در عین حال کاک مجید
همیشه علاوه بر بدوش کشیدن این
مسئولیت خطیر در حوزه های
فعالیت دیگر نیزه همواره یکی
از فعالترین اعضای واحد های
سیاسی سازمان بود.

کاک مجید در بسیاری از
عملیاتهای نظامی در سنگر نخست
درگیرها شرکت فعال و موثر داشت.
تا اینکه در یکی از همین درگیرها
در نبرد حماسی پیشمرگان در
مقابل یورش رژیم به منطقه بانه
در دیماه ۶۲ به شدت زخمی شد.
مجروح شدن و پند در پند، ستیز
با مرگ آزمون دیگری بود که کاک
مجید با روحیه ای عالی و سرشار
از شور زندگی و مبارزه سر بلند
از آن بیرون آمد و بر خورده های
ارزنده خود را چون سرمشق گرانها
برای همزمانش به یادگار گذاشت.
پس از مدت کوتاهی با وجودیکه

و همذگراش نمونه و مظهر
شادابی و برخوردارهای صیانه ،
بکارگیری خلاقیتها و روحیه جمعی ،
جسارت و تحرك عملی فوق العاده
وجدیت و برخوردار صادقانه با وظایف
اعتقاد آتش بود . چهره صمیمی
وجدی اش و خصائل و زندگی سراسر
آموزه او در سنگر به سنگر نبرد -
های آینده قوت قلب و راهنمای
عمل ما خواهد بود . از اینروست
که بر این باوریم که کاک مجید
در میان ما خواهد بود .

ما بسیاریم !

☆ رفیق حمید زارع پور (کاک)
مسعود (عضو برجسته سازمان و
فرزند دلآور کارگران و زحمتکش
در سال ۱۳۲۹ در خانسواد های
زحمتکش در شهر کرچ متولد شد .
دوران کودکی و تحصیل خود را در
کرچ سپری کرد . در سالهای آخر
دبیرستان که همزمان بود با آغاز
جنب و جوشهای سیاسی در جامعه ما
و خصوصا جوانان و محصلین ، از زمره
جوانان پیشرو و پرشوری بود که

همچنان جسمش از عواقب و شدت
جراحات رنج میبرد ، پر نشاط و بیبا
روحیه ای عالی به جمع رفقای
خود پیوست و فعالانه به پیشبرد
وظایف خود مشغول شد . کاک مجید
فرمانده کاردان ، جسور و محبوب
همه ، از اواسط سال ۱۳۶۳ با
عضویت در شورای فرماندهی
نظامی کردستان نقش هرچه موثر
تری را در فعالیت نظامی سازمان
در کردستان بعهده گرفت و
در یکساله گذشته تالظه شهادتش
یکی از فرماندهان لایق سازمان
مادر کردستان بود .

تمامی رفقای که هم اکنون
سنگر خالی او را پر کرده اند همه
پیشمرگانی که تحت مسئولیت او
آموزش دیده و در فعالیتها
نظامی سازمان شرکت داشته اند ،
خاطره و آموزه های ارزنده رفیق
علیرضا مدیری (کاک مجید) را در
ذهن خود خواهند سپارد و زینت
بخش ادامه فعالیتشان قسرار
خواهند داد . او برای همه رفقا

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!



به محافل مطالعاتی و مجامع جوانان سیاسی و مبارز روی آورد. و این آغازی بود بر زندگی نوینی که از او یک کمونیست پاكباخته و يك عضو برجسته و حرفه‌ای برای سازمان مآه ساخت.

رفیق حمید زارع پس از دوران مبارزات سیاسی قبل از قیام در شهر خود شرکت فعال و موثری داشت. در روزهای قیام دوش به دوش توده‌های انقلابی دز تسخیر پادگانهای تهران، همراه با جوانان محله و شهر خود شرکت کرده و در دوره پس از قیام نیز بی‌گیرانه به شرکت همجانبه در مبارزات سیاسی محیط خود ادامه داد. از سال ۵۸ به سازمان فدائی پیوست و یکسال بعد، پس از آشنائی همجانبه با مواضع راه کارگر، در سال ۵۹ همکاری و فعالیت خود را با سازمان مآه آغاز نمود. رفیق حمید زارع - پور از ابتدای پیوستن به سازمان به خاطر ظرفیت مبارزاتی و پیوند عمیق اش با خط سازمان همیشه از زمره قابل تکیه‌ترین و فعالترین رفقای مآه بود. نظم و جدیت افتادگی

او در کار تشکیلاتی و برخورد های خلق و همه جانبه او در تمامی عرصه‌های کار و فعالیت سازمان، از او رفیقیتی ساخته بود که همواره برای به عهده گرفتن سنگین‌ترین و پیچیده‌ترین مسئولیتها آمادگی داشت.

رفیق حمید زارع پور تا سال ۶۰ در کرج فعالیت خود را ادامه داد ولی پس از آغاز دوره سرکوب، از آنجائیکه شدیداً تحت پیگرد رژیم قرار داشت، به تهران انتقال یافت. سالها

واحدهای نظامی سازمان بود و در آن دوره توانست با هوش و ذکاوت، اعتماد بنفسی قابل تحسین و براستی مایه گذاشتن از جان خود چندین طرح صادره مسلحانه را به اجرا در بیاورد. زفیق حمیدزارخ-پور (کاک مسعود) از ابدتدای وروشن بنه کردستان، بخاطر توانائی ها و انضباط تشکیلاتی اش از زمره فعالترین رفقای ما بود. نقش برجسته اش در تمامی عرصه های فعالیت مادر کردستان برجستائی مانده و خواهد ماند. او دریکی از واحدهای سیاسی سازمان، سازماندهی شد و در عین حال در صفوف پیشمرگان راه کارگر نیز فعالیت موثر و چشمگیری داشت. فعالیت کاک مسعود و تلامذهای پیگیرانه او صرفا به دامنه کار خود محدود نمیانده در سایر زمینه های کار سازمان یک لحظه متوقف نمیشد و این خصوصیت برجسته اش بود که همیشه با جمیع مسائل پیرامون خود برخورد خلاق و متناسبت را می نمود و تمامی بخشهای تشکیلات کردستان همیشه در کار خود از آثار برخورد ها و مشارکت فعال ایشان

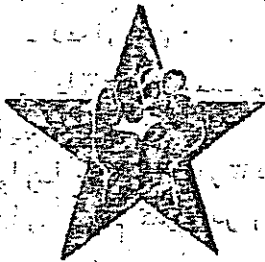
۶۰ و ۱۱۰۰ از تشکیلات تهران، در روابط در کمیته جنوب غرب به انجام وظایف انقلابی خود مشغول بود. در این دوره که دشوارترین مقطع فعالیت مخفی برای نیروهای انقلابی بوده رفیق حمید با تمام انرژی و توان با پشتوانه ای از ایمان و جسارتی کمونستی توانست ما موریت های خطیرئی را یکی از پس از دیگری به انجام برساند. در دوره هائی که ضربات و پیگردهای رژیم، گسستهائی در ارتباطات و پراکنند شدن برخی نیروهای سازمان را باعث شده بود، حمید یکی از رفقای بود که با تمام وجودش برای برقراری تماسها و جمع و جور نمودن تشکیلات، شبانه روز تلاش میکرد و هشیاری و دقتش در این زمینه بخوبی نشان میداد که حمید از آن نسته از انقلابیونى است که با دشوار آمدن شرایط جوهر مبارزاتی شان بهتر و ملموس تر به نمایش در می آید.

او از سال ۶۳ تا بهار ۶۳ که به کردستان اعزام شد، در روابط تشکیلات تهران مشغول یکی از

نبود که در اولین کنفرانس
تشکیلات پیشمرگه راه کار گریه
عنوان عضو علی البدل همیشه
فرماندهی تشکیلات پیشمرگه انتخاب
شد و تا لحظه شهادتش با تمام
وجود خود را وقت پیشبرد وظایف
اش نمود.

گرچه رفیق حمید زارع پور
(کاک مسعود) دیگر در میان مانیت
ولی آنچه که به بر تمونن جای
خالی او در جریان ادامه مبارزه
که در پیش داریم کمک خواهد کرده
یا دگاره‌های ارزنده این رفیق
برجسته است. و بی شک یاران او
و همه کسانی که او را می شناختند
و خواهند شناخت، از یادگارهای
برجسته و آموزشهای بجای مانده از
او، مشعلی خواهند ساخت فرا راه
خود و بدینسان حمید در میان ما
خواهد ماند.

ما بسیاریم



رفیق بهره مند بوده و خواهند بود.
او در سازماندهی پس از اولین
کنفرانس کردستان در سال ۱۳۰۳ به
مسئولیت یکی از واحدهای سیاسی
سازمان برگزیده شد. در دوران
مسئولیت خود یکی از فعالترین
واحدهای سازمان را رهبری نمود و
در کنار او رفقای همسنگش
همواره از تجارب، جا افتادگی
و تسلط او بر مواضع سازمان
آموخته اند و بهره مند گشته اند.
برخوردهای صریح و قاطع او در دفاع
از هر آنچه که بنظرش اصولی بود
و همچنین صراحتش در برخورد به
نقاط ضعف و اشکالات، از او مسئولی
کارآیند و رفیقی صاحب نظر
ساخته بود!

کاک مسعود علاوه بر فعالیت
مؤثرش در واحدهای سیاسی سازمان،
بسیاری از تجربه کاردان و صاحب
تجربه بود. او که تجارب نظامی
خود را از دوران قبل از ورودش
به کردستان آموخته بوده در
فعالیت نظامی اش در کردستان نیز
توانایی ها و شایستگی های زیادی
از خود نشان داد. خصوصاً در عرصه
فن تخریب و انفجارات. بی دلیل

اعلامیه‌های کمیته کردستان درباره عملیات پیشمرگان

★ انفجار مین

شیانگاه ۱۵/۱/۸۷ پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در منطقه سردشت پس از شناسایی دقیق محور نظامی پایگاه دارمه کون واقع در منطقه سوسنی سردشت اقدام به یک رشته مین گذاری در این محور نمودند.
ساعت ۳ بعد از ظهر ۱۵/۱/۸۷ یک زیل ارتشی حامل تانکر آب بسروی مین رفته و در اثر انفجار مین قسمت جلوی زیل یکلی منهدم شد و راننده آن در دم به هلاکت رسید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک توده‌ای!
ببروز باد جنبش حق طلبانه خلق کرد!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

۱۵ / ۱ / ۸۷

★ کمین مزدوران پایگاه هلیشان ناکام ماند

در نیمه شب ۱۵/۱/۸۷ یک دسته از پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) که بعد از انجام عملیات نظامی سازمان منطقه سوسنی سردشت بودند در نزدیکی پایگاه هلیشان واقع در شهرستان ساساوان

سنگام عبور از جاده نظامی پایگاه مذکور به کمین تعداد زیادی را از مزدوران افتادند، مزدوران رژیم با برنامه‌های از پیش طرح کمین گسترده‌ای را برای ضربه زدن به پیشمرگان منطقه سازمان داده بودند. پس از آنکه تعدادی از پیشمرگان سازمان به چند متری سنگرهای کمین رسیدند، مزدوران رژیم از چند سمت آتش گسترده انواع سلاح‌های خود را بر روی پیشمرگان باریدن گرفتند. در همان دقیقه اول پیشمرگان، ابتکار عمل را بدست گرفته، با هوشیاری سنگرهای مناسبی را انتخاب نموده و به مقاومت دست زدند. سپس مزدوران پایگاه‌های هلیکوپتر و ساوان که بر سنگرهای پیشمرگان مسلط بودند از یک طرف و مزدوران مستقر در کمین از طرف دیگر آتش سنگین تری را بمدت ۷۰ دقیقه بشهر سنگرهای پیشمرگان گشودند که با تحریک بموقع پیشمرگان کمین مزدوران بنا به گناه هلیکوپترها کاملاً منهدم و مخفی گردید. در این برخوردی یکسری از پیشمرگان سازمان زخم سطحی برداشتند. پیشمرگان پس از جثتی نمودن کمین به مسیر خود ادامه دادند.

روز آشنایان و یاران عزیز ما را در این روزهای مبارک و شادمانه
 در این روزهای مبارک و شادمانه در این روزهای مبارک و شادمانه
 بیروز، یاد مبارزات عادلانه خلق کسود!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

۶۵/۶/۳۹

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلفهاست

بمناسبت آغاز ۵۵

خود قرار داده بوده کوشیده است. و نمایندگان کریکار چه بود؟ بطور فشرده میتوان گفت جوهره وظایف آن عبارت بود از پیگیری خط و برنامه یک سازمان کمونیستی (راه کارگر) در یک جنبش ملی (کردستان) بنابراین، برای این، نشریه همراه با تاکید بر هویت کمونیستی خود، همواره کوشیده در جهت پیگیری امر پرولتاریا در کردستان متمرکز تر باشد. انتشار این شماره ریگای کریکار که منافع است با سومین سالگرد انتشار آن، فرصت مناسبی است برای مروری بر وظایف آن و بررسی آنچه تاکنون انجام داده است.

ریگای کریکار همواره از حق ملل در تعیین سرنوشت خویش بطور کلی، و خودمختاری بعنوان خواست بحق خلق کرد بطور مشخص دفاع نموده است. چراکه یکی از اصول خدشه ناپذیر مارکسیسم-لنینیسم را دفاع از حق ملل در تعیین سرنوشت خویش (بعنوان یکی از

حقوق بورژوا - دمکراتیک که دیگر بورژوازی طرفیت دفاع از آنها از دست داده) دانسته و بعنوان ارگان کمیته کردستان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) تلاش نموده است راه حل درست مسئله ملی در کردستان را در جهت منافع پرولتاریای سراسر ایران که طبقه کارگر کردستان را نیز مشتمل میشود، پیشا روی خلق قهرمان کرد بیگذارد.

دفاع از رادیکالترین و پیگیرترین مدافع دمکراسی در جنبش خلق کرده، یعنی طبقه کارگر کردستان نیز از جمله وظایف ریگای کریکار بوده و در دستور کار آن قرار داشته است. این نشریه بدون آنکه در تخیلات چپ روانه غرق شود، عقب ماندگیهای واقعی کردستان را در حوزه های اقتصادی و اجتماعی و تقدم مسئله ملی را نادیده بگیرد و همچنین شعارهای توخالی سردهده هیچگاه بر این باور نبود که در کردستان صحبت از مبارزه طبقاتی و تندو تیز کردن و دامن زدن به آن زود است و یا اصولا در اینجا بورژوازی

و با لتبح طبقه کارگر وجود ندارد
 ریگای کریکار ضمن قبول واقعیت
 تقدم مسئله ملی در کردستان
 همواره بر ضرورت رهبری طبقه
 کارگر در این جنبش و برای نیل
 به پیروزی تاکید داشته و بر همین
 توضیح داده و اثبات نموده است
 که تنها راه رهائی خلق کُترده
 تا این سرکردگی پرولتاریا در
 جنبش آن و گام برداشتن در راستای
 سوسیالیسم می باشد.
 - از طرف دیگر ریگای کریکار
 با وقوف بر این واقعیت که جنبش
 جاری خلق کرد به تنهایی نمی
 تواند به پیروزی دست یابده
 بر لزوم پیوند این جنبش ملی با
 جنبش کارگری - توده ای سراسر
 ایران تاکید داشته و حلقه رابط
 این پیوند را نیز بروشنی بیان
 نموده است: طبقه کارگر ایران
 طبقه کارگر سراسر ایران (که
 کارگران کرد نیز جزئی از آن -
 بحساب می آیند) هیچ نفی از ستم
 ملی نمی برد و اساساً در مقابل
 آن قرار دارند. همانگونه که
 جنبش ملی خلق کرده در جهت نیل
 به دموکراسی و آزادی به پیش

می رود. و با این ترتیب در جهت
 منافع پرولتاریا گام بر می دارد
 جنبش طبقه کارگر نیز مصوناً و
 عملاً در جهت تأمین حقوق ملی
 تمامی خلقها و منجمله خلق کُترده
 عمل کرده و می کند. بنا بر این
 ریگای کریکار بر این باور است
 که طبقه کارگر نه تنها متحد
 جنبش ملی - دموکراتیک خلق کُترده
 بوده و هست، بلکه تنها حلقه
 رابط و مطمئن، قابل اتکا، انقلابی
 و مترقی بین این جنبش و جنبش
 سراسری است.
 در این حال ریگای کریکار
 همواره ضمن برقرار داشتن نقاط قوت
 جنبش خلق کرد (که همانا عبارتست
 از بالا بودن سطح مبارزه و وجود
 جنبش مسلحانه متکی به حمایت
 توده های وسیع مردم) و دادن رهنمود
 - هائشی در جهت تقویت هر چه
 بیشتر آن، بر نقاط ضعف آن
 انگت گذاشته و در جهت رفع آنها
 تلاش بیگبر و خستگی ناپذیر
 نموده است. یکی از نقاط ضعف
 برجسته جنبش جاری خلق کرده عدم
 وجود تشکلهائی توده ای جهت
 بهره گیری از روحیه رزمندگانه

نقیصه و نقطه ضعف جنبش باشید. بهمین دلیل این نثریه بر روی سیاستهای ائتلافی تاکید داشته، برزبندیهای خود را روشن و واضح بیان نموده و بر ضرورت ائتلافهای اصولی و ففنی برای تقویت انقلاب علیه رژیم فقها پای نشده است. دنبال کردن مسائل روز مره جنبش پرتوان خلق کرده، تاثیر گذاری بر نیروهای درون جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرده در راستای تقویت ورا دیگالیزه کردن آن نیز از وظایف ریگای کریکار بوده است. هم از اینروه تلاش نموده بر جندک ویرا در کشی میان حزب دمکرات و کومه له تاثیر گذاشته و در جهت پایان دادن به آن کوشش نماید. این نثریه اثبات نموده علت اصلی درگیری میان این دو نیرو سیاستهای انحرافی آنان بوده است. ریگای کریکار در عین حال مراحت داده که منجر اصلی سراسری کردن جندک بین این دو نیرو کومه له بوده.

توده های مردم در مقابله با رژیم فقاہتی حاکم و کسب آزادی و خود - مختاری بوده است. از همین رو ارگان کمیته کردستان سازمان ما با توجه به اهمیت اساسی این نقطه ضعف، همواره بر روی آن متمرکز شده و بعنوان نثریه های سازمانگر بر ضرورت اساسی سازماندهی توده های مردم - چه در وجه سیاسی و چه در وجه نظامی - در روستاها و از آن بیعتسر در شهرها تاکید نموده و نیشزوی ویژه ای را به رفخ این نقطه ضعف جنبش اختصاص داده است.

عدم همکاری نیروهای انقلابی با یکدیگر، نقطه ضعف دیگر جنبش خلق گرد بوده است. ریگای کریکار در این زمینه نیز با تاکید بر ضرورت اتحاد عمل و همکاری نیرو - های انقلابی، جهت مقابله علیه رژیم جنایتکار فقها، همواره کوشیده بین مبارزه با یکتاریم و فرقه گرائی، مشوق و نشاندهنده راه حل های عملی در جهت رفخ این

خودمختاری برای خلق کرد دموکراسی توده ای برای ایران

که با تصمیم قبلی توسط رهبران آن و به نیروهای حزب دمکرات حمله نمود. اما ضمن افسای این واقعیت و هیچگاه از تاکید بر ضرورت حیاتی جهت پایان دادن به این جنگ برادر گشتی نداشتند. اما ادامه آن را محکوم نموده و بر ضرورت آتش بس بسی قید و شرط پای فشرده و همواره حزب دمکرات را به پایان دادن به این جنگ و از میان برداشتن این سایه شومی که بر سر جنبش خلق کرد سایه انداخته و آنرا بطور جدی به مخاطره افکنده و دعوت نموده است.

افشای سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و رهنمود جهت مقابله با آن نیز از وظایف این نشریه بوده و وظایفهای همیشگی و بلاوقته که همواره حایگاه ویژه ای داشته است.

ریگای کربک در عین حال از خلوص لنینیسم بطور پیگیری قاطع دفاع کرده است. این دفاع نه تنها در مقابل آنتیائی صورت گرفته که رودرز و علیه لنینیسم و اصول خلقه ناپذیر آن ایستاده -

اند و با آن مخالفت میکنند ، بلکه در مقابل آنها بی نیز که تحت لوای مارکسیزم - لنینیسم و همچون کومه له ، علیه لنینیسم به سیاسی مشغولند نیز انجام پذیرفته است . ریگای کربک راست - گیری آگاهانه رهبران سوسیال دمکرات حزب کمونیست کومه له - که از جو مخالفت با اردوگاه سوسیالیستی ، منبعث از ناسیو - نالیسم تنگ نظرانه خرده بورژوا - نی میان صفون نیروهای خود استفاده کرده و تا مرز ردیه نویسی به لنین و لنینیسم پیش رفته اند - راه اعلان جنگ سوسیال دمکراتی علیه لنینیسم دانسته و با تمام توان خود در جهت افشای آن و دفاع از لنینیسم کوشیده و خواهد کوشید . دفاع از سوسیالیسم واقعا موجود در جهان (اردوگاه کبور های سوسیالیستی) بمثابة يك وظیفه انترناسیونالیستی نیز همواره در دستور کار ریگای کربک قرار داشته است و علیه هرگونه انحراف در این زمینه چه در جهت راست (خود را تابع

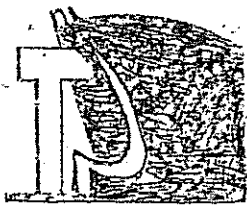
سیاست خارجی کشورهای سوسیال - لیستی کردن) و وجه در جهت چپ نفی کشورهای سوسیالیستی (مبارزه نموده است .

در این راستا و عطف نظر به الزامات جنبش جاری خلق کرده ، تلاش برای معرفی جنبشهای رهائی بخش در سطح جهان - در جهت بهره گیری از تجربیات این جنبشها (با توجه به ویژگیهای آن) و در جهت دفاع از جنبشهای رهائی بخش بمثابه يك وظیفه انترناسیونال لیستی - از دیگر وظایف ریگای کریکار بوده است . بنا بر این این تشریح کوشیده ضمن معرفی جنبشهای رهائی بخش در سراسر جهان ، نقاط قوت و ضعف آنها را مورد بررسی و تحلیل و نقد قرار دهد و از آنها دفاع نماید و تجربیات آنها را پیشباروی جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد بگذارد .

ریگای کریکار در تمامی زمینههای فوق الذکر تلاش نمود ، و از این پس نیز تلاش خواهد نمود . حتی اگر رفقای همچون شهید حمید طهماسبی (کاک محمود)

در میان ما نباشند . رفیق حمید طهماسبی (کاک محمود) ، مستقل از مسئولیتها توان و سوا - بق بر جسته دیگرش ، بنیانگذار و هادی ریگای کریکار بود . او که تمامی عمر پر ثمر خود را در جهت پیشبرد امر پرولتاریا - در هر نقطه که بود - صرف نموده بود ، در کردستان نیز - صرف نظر از دیگر تاثیراتش در این جنبش - ریگای کریکار را بعنوان یادگاری فراموش نمدنی بر جای گذاشت . یاد و خاطره اش جاودان باد .

بسی تردید ریگای کریکار در جهت اهداف و آرمانی که رفیق حمید طهماسبی (کاک محمود) جان پاک خود را بر روی آن گذاشت و حرکت خواهد نمود و تا قبل از آن اهداف از پای نخواهد نشست . بیروزی از آن ما است !



دانش آموزان، جنگ و سال تحصیلی جدید

چون جنگ طلبی فتنه‌ها چنان ابعادی پیدا نموده است که همین جنگ حتی مراکز و نهادهای آموزشی کشور را نیز در بر گرفته و در نتیجه برای آموزش و تحصیل دانش آموزان جایی باقی نگذاشته است. رژیم ولایت فقیه برای بهره برداری از دانش آموزان در جنگ، تمام امکانات خود را به کار گرفته است. با تحریک احساسات مذهبی دانش آموزان توانسته است بخشی از آنان را در سایه کمیته‌ها و بسیج گردآوری نموده و روانه کشتارگاه‌های جنگ سازد و از طرف دیگر با سازماندهی بسیج‌های اجباری دانش آموزی نیز موفق شده است بخش دیگری را بعنوان گوشت دم توپ به جیب‌ها بفرستد و همچنین با توسل به انواع ترندها مثلاً رفتن به جیب در ازای ارتقاء

سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می‌گردد که جنگ ارتجاعی ایران و عراق در ادامه خود وارد مرحله جدیدی گردیده است. تشدید بحران سیاسی، اقتصادی و کاهش عظیم درآمدهای حاصل از نفت دولت را بر معرزه و ریشکستگی و افلاس کامل مالی قرار داده و ادامه جنگ فرسایشی را برای جمهوری اسلامی با مشکلات فراوانی روبرو گردانیده است. تحت چنین شرایطی حکومت ایرانی برای غلبه بر بحران‌های سیاسی - اقتصادی مسئله تعیین تکلیف قطعی جنگ را به اصلی ترین سیاست خود تبدیل نموده و با وعده پایان جنگ و شمار فتح نزدیک می‌کوشد تا کلیه قوای نظامی، اقتصادی و انسانی کشور را در راستای ادامه جنگ بسیج نماید.

به کلاس بالاتر نیز بخشی را فریفته است.

ارتجاع فقهاتی برای داغ نگه داشتن تنور جنگ مراکز آموزشی را نیز به عرصه‌ای برای تأمین بودجه جنگ تبدیل نموده و در این رابطه به شیوه‌های مختلفی دانش‌آموزان و اولیاء آنان را بلکه می‌تواند پرداخت شهریه، هزینه کتابخانه، پسر کردن فلکهای کمک به جبهه‌ها، پرداخت پول از طرف والدین دانش‌آموزان به انجمن‌خانه و مدرسه، هزینه آتش‌پشت‌پسای اعزامیان به جبهه‌ها و فروش مجدد آن به دانش‌آموزان همه و همه بر دوش اولیاء و دانش‌آموزان سنگینی می‌کند. از طرفی بحران‌های اقتصادی ناشی از ادامه جنگ چنان ابعادی پیدا نموده و تورم قیمت‌ها بدان حد رسیده است که بخش زیادی از توده‌های مردم قادر به خرید مایحتاج تحصیلی فرزندان خود نیستند. دولت اسلامی برای سرپوش گذاشتن بر کبودها و تورم قیمت‌های نوعی آفرار با اجرای طرح‌های ارتجاعی

بوروکراتیک می‌خواهد بخشی از مایحتاج تحصیل دانش‌آموزان را تأمین نماید و با اعتراف خودش قادر به تأمین بیش از نیمی از این نیازها نیست. چنین طرح‌ها ارتجاعی بوروکراتیکی هم همانطور - یکه همیشه شاهد آن بوده‌ایم، مورد سوء استفاده افسار حزب - الهی و وابستگان رژیم قزار گرفته و از کانال‌های مختلفی روانه بازار سیاه می‌گردد. از طرف دیگر نیز دولت با تقویت موقعیت تجار وابسته بخواستود و ایجاد بازار سیاه از طریق آنان قدرت خرید توده‌ها را بشدت تنزل داده و قیمت وسایل مورد نیاز دانش‌آموزان را تا بدانجا رسانیده است که در برخی از مناطق کشور قیمت دفتر ۱۰۰ برگ ۵۰ تومان و خودکار بیک تا ۳۰ تومان نیز رسیده است. بدیهی است که بودجه‌ای که باید صرف آموزش و فراهم نمودن امکانات تحصیلی گردد به یکباره صرف جنگ می‌شود و در نتیجه ضایعات ناشی از ادامه جنگ بخش قابل توجهی از فرزندان کارگران و

زحمتکشان را از تحصیل محروم می سازد .
 حکومت فدرالی خیمینی دانش آموزان را تنها در محاسبات کوتاه مدت خود یعنی بهره برداری از آنان برای تداوم بخشیدن به جنگ بحساب نمی آورد . بلکه می گوید با گسترش ایدئولوژی خود در بین آنان نسل آینده را یعنی نیروی بخیره ضد انقلاب فقهائی پرورش دهد . در حال حاضر نظام آموزشی کشور در نتیجه تلفیق مدرسه و مذهب با مدیریت رنست شدید مذهبی بخود گرفته است .
 آموزش خرافات و تحریف حقایق تاریخی جای آموزشهای علمی را گرفته و فرهنگ و سنتهای ارتجاعی و پوسیده گذشته دوباره باز سازی می شوند . اقلیت های مذهبی بدلیل عدم تمایل به هماهنگی با آموزش دروس مذهبی رسمی رژیم و یا فشاری روی سنتها و آئین خود شدیداً تحت فشار قرار گرفته اند .
 نظام آموزشی ویژه ای برای دختران ایجاد نموده اند و بدینوسیله آینده نیمی از نیروی انسانی کشور را به مخاطره افکنده اند .

کلیه آموزگاران و معلمان مرفعی و پیشرو تصفیه و اخراج گردیده و بدین ترتیب مدارس را با کمبود کادر آموزشی مواجه نموده اند .
 کلیه این اقدامات ارتجاعی در این راستا سازماندهی شده اند که اولاً نسل تاریک اندیشی را برای آینده بار آورده و عناصر وفادار به خود شان را پرورش دهند و از این طریق آینده خود را تضمین نمایند و از طرف دیگر با مخدوش نمودن ذهن دانش آموزان در رابطه با مسائل اجتماعی و سیاسی انرژی دانش آموزان را در جهت اهداف سرکوب گرانه خود بکار گیرند .
 حکومت اسلامی با کشتار معلمان و دانش آموزان مرفعی و پیشرو و ایجاد سیستم کنترل فعال پلیسی در مدارس از طریق ایجاد شوراهای و انجمنهای اسلامی و نهادهای رنگارنگ دیگر و سرکوب هرروزه فزاینده مدعیان از خفقان را بر مدارس حاکم نموده و هرگونه ندای حق طلبانه ای در مدارس را با گلوله پاسخ می دهد .
 در چنین شرایطی در کرکستان انقلابی بدلیل وجود موقعیت

انقلابی و قدرت دوگانه و پتانسیل بالایی مبارزاتی تنوع‌ها، رژیم جمهوری اسلامی موفق شده است هنگام بنا دیگر نقاط ایران سیاست یکسانی را در مورد مدارس کردستان نیز بکاربندد و نظام آموزشی مطلوب خود را جاگرم گرداند.

رژیم اسلامی در مراکز تحصیلی کردستان علی‌رغم سازماندهی انواع نهادهای ارتجاعی و سرکوبگره اعمال انواع فشارها و تطبیقات بر دانش‌آموزان و علی‌رغم آنکه مدارس رندک حوزه‌های علمیه را بخود گرفته‌اند هنوز نتوانسته است در میان دانش‌آموزان برای خود جایگاهی دست‌یاب نماید و صرفاً با اتکال به سرنیزه و عناصر مستزور سیاستهایش را پیش می‌برد. برای نمونه در مورد تحمیل حجاب به دانش‌آموزان دختره پس از تلاش فراوان موفق شده است تنها در برخی از مدارس استفاده از مقنعه را به دانش‌آموزان تحمیل نماید. در زمینه تحمیل ایدئولوژی و مذهب فقهی و جایگزین نمودن

دروس مذهبی مطلوب خود به جای برنامه‌های فغلی، هنوز نتوانسته است آموزش دروس دینی شیعی را در کردستان به کرسی بنشاند. مهمترین همه هیچکدام از نهادهای اتجاعی اش موفق نگردیده‌اند حتی بخش معدودی از دانش‌آموزان را بطرف خود جلب نموده و به جنبه‌ها اعزام نمایند و با برای سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد آنها را در روی جنبش قرار دهند.

در مقدمه بالا، رابطه نظام آموزشی با جنگ و سیاستهای جنگ طلبانه فقهی، رابطه تحصیلات و بحران اقتصادی، نظام سرکوب و احتناق در مدارس و مذهبی نمودن سیستم آموزش را توضیح دادیم و همچنین گفتیم که در کردستان بعلاوه وجود موقعیت انقلابی و سلاح بالایی جنبش، رژیم جمهوری اسلامی قادر نشده است سیاستهای خود را به صورت کامل به مدارس تحمیل نماید. در بستر مناسبی که جنبش انقلابی خلق کرد در سراسر کردستان آفریده است باید بنا همه قوا به سازماندهی بنیادی جنبش دانش‌آموزی بنمایند یکی از

پایه‌های مبارزه سیاسی - توده‌ها در کردستان پرداخته سازماندهی جنبش دانش‌آموزی نه فقط می‌تواند نیروی رزمی عظیمی در برابر رژیم فقها وارد میدان سازد بلکه رشد و گسترش مبارزات دانش‌آموزی می‌تواند بعنوان یکی از ارکان مبارزه سیاسی بر سایر جنبه‌های این شکل از مبارزه تاثیر نهاده و بهر شدت توأم با فتگی مبارزه سیاسی - توده‌ای کمک نماید. سازمان ما همواره بر روی نقش بر اهمیت مبارزه سیاسی - توده‌ای در شهرها و روستاهای کردستان به‌مثابه رکن یکمیل مبارزه مسلحانه توده‌ای بسای فشرده و تقویت جنبه‌های گوناگون این شکل از مبارزه را برای پیروزی جنبش انقلابی خلق کیزد همچنان ضروری میدانند. از این‌ها ناگفته نماند که اشاره به رنیت باید با همه قوا به سازماندهی مبارزه دانش‌آموزی به‌مثابه یکی از ارکان مبارزه سیاسی - توده‌ای بر خیزیم. اما چگونه می‌تواند با پایا‌های مطمئن تشکیلی برای جنبش دانش‌آموزی کردستان

فراهم ساخت ؟
این سازماندهی باید تدریجاً سطح موازی و مکمل هم ایجاد و پایه‌ریزی شود. کمیته‌های مخفی دانش‌آموزی به‌مثابه هسته فشرده، منسجم و مخفی رهبری این جنبش و تشکل‌های علنی گسترده و رنگارنگ همچون بدنه علنی و توده‌ای آن. ابتدا به بررسی کمیته‌های مخفی دانش‌آموزی می‌پردازیم. ضرورت این کمیته چیست؟ و چرا باید مخفی باشند؟ هر مبارزه توده‌ای که در شرایط سرکشیوب شدید و لجام گسیخته هدایت می‌شود برای حفظ ادامه‌کاری خود نیاز به یک مرکز مخفی رهبری دارد. این مرکز مخفی باید حتی الامکان از دید دشمن مخفی بوده و برای ارکانهای سرکوب شده و شکنجاری قابل دسترسی یا شنیدن دشمنان نباید یا سانی به رهبران واقعی و سازمان‌نگران جنبش در شهرها و روستاها باید زیرا آنها تنها هستند که ادامه کاری جنبش را تأمین و تضمین می‌نمایند. برای این باید توجه داشت چنین مرکزی نمی‌تواند هر یک از این آموز مخالف و ناراضی را به این

هسته‌ها جلب کرد زیرا در صورت گسترش دایره این سطح از روابط شبکه مخفی سرعت قابل کشف شد و زیر ضربه قرار میگیرد. تنها دانش آموزانی که از استحکام مبارزاتی، بیگیری در امر مبارزه و خصائل عالی مبارزاتی برخوردار هستند باید به این هسته‌ها جلب شوند. نطفه‌های اولیه این هسته‌ها باید با دقت و هوشیاری و وسواس شدید و پس از یک دوره عیاجت کامل از استحکام اعضا تشکیل دهنده آن سازمان باید

مراکز اصلی فعالیت ما باید مدارس باشد که دانش آموزان آنها از فرزندان کارگران و تهیدستان هستند. سنگ بنای جنبش دانش آموزی را باید بر روی این بخش از دانش آموزان بنا نمود بطوریکه جنبش دانش آموزی دارای بنیان محکم و قابل اطمینان بوده و مبارزات دانش آموزی با اعیاق جامعه یعنی مبارزات کارگران و تهیدستان پیوند یابد.

از نظر سیاسی نیز باید این

هسته دربرگیرنده دانش آموزان کمونیست و انقلابی صرف نظر از اعتقادات ایدئولوژیک سیاسی آنها باشد. اما از آنجا که کمیته‌های مخفی دانش آموزی نه یادهسته حزبی بلکه تشکیل عمومی فعالین کمونیست و انقلابی دانش آموز است باید اکیدا از تبدیل آن به مرکز ارتباطات بین سازمانهای گوناگون اجتناب شود. حتی اگر رفقای ما از هویت سازمانی دیگر شرکت کنندگان در هسته‌ها آگاه باشند و یا فعالین دیگر از هویت رفقای ما مطلع باشند باز هم نباید به ارتباط سازمانی و تشکیلاتی خود اعتراف نموده و بویژه نشریات سازمان و سایر اوراق مخفی را رد و بدل نمود. برای پیش برد خط و برنامه سازمان می‌توان نشریات سازمان را به آدرس این فعالین پستی نمود و تا به خبوه‌های غیر مستقیم بدون دادن هیچگونه سرخ امنیتی بدست آنها رسانید.

این تدبیر مخفی کاری موجود است می‌شود تا نرات امنیتی سازمانهای سیاسی به هسته مخفی دانش

نمی‌تواند بیش جنبش وسیع و واقعا
توده‌ای تبدیل شود، هسته‌های
مخفی چنانچه نتوانند از طریق
تشکل‌های علنی خود را با توده
وسیع دانش‌آموز متصل سازند
بچار انزوا و جدائی از توده
دانش‌آموز شده و مانند چرم‌سازگی
آب خواهند رفت.

آنچه زمینه هرچه مساعدی
برای فعالیت و تشکل‌های علنی در
کردستان فراهم می‌سازد سطح
عالی جنبش انقلابی خلق کرد و در
نتیجه بقا نسبی عمومی توده‌ای
موجود در کردستان است. در
شرایطی که رژیم جنایتکار فقه
با جنبش نیرومند مسلحانه توده‌ای
زورپوست و با همه توش و توان
خود از عهده سرکوب آن برنمی‌آید
است و در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی
بطور کامل در میان خلق کرد منزوی
بوده و توده‌های کارگر و زحمتکش
و دهقان از توان مبارزاتش و
انقلابی باطنی برخوردارند می‌توان
عرضه‌های بسیار وسیعی در حوزه کار

آموزی منتقل نشود و با اثرات
این ضربات بشکل فوق‌العاده‌ای
گاهی یافته و ادامه کاری آنها
تأمین و تضمین شود.

وجه دیگر تضمین ادامه کاری
هسته‌ها رعایت فن مخفی کاری و
کار بست دقیق تاکتیک‌های مبارزه
با پلیس سیاسی توسط هسته است.
کمیته نباید هیچگاه به فرمالیسم
خطرناک بلحاظ امنیتی دچار شده و
فی‌المثل اساسنامه و یا آئین‌مکتوب
برای خود تدوین نماید و یا نام
فعالین دیگر را که با هسته همکاری
میکنند ثبت نموده ... خلاصه
آنکه هسته نباید هیچ سند و
مدرك زنده‌ای از خود برجسای
بگذارد. همه امور هسته باید به
اتکال اعتماد رفیقان فعالین
حل و فصل شود.

ملاحظات بالا در زمینه بخش
مخفی‌سازماندهی جنبش دانش‌آموزی
باید دقیقا مورد توجه رفقای
ما قرار گیرد. اما هیچ فعالیت
و جنبش توده‌ای بدون بدنه علنی

نان، صلح، آزادی، حکومت شورایی!

علنی گنود. ایجاد انواع و اقسام
تشکل های علنی متناسب با هر
عرصه از فعالیت توده های - سیاسی
باید آنها را نیرومندی برای ارتباط
هرچه وسیع تر و گسترده با توده ها
بوجود آورده و قدرت بسیج و
سازماندهی مبارزات توده ای را هر
چه بیشتر افزایش میدهد. اگر در
شرایط کنونی جنبش انقلابی خلق
کرده تنها بخش معینی از کارگران،
تهیدستان و دهقانان و روشنفکران
بیشتر می توانند به جنبش
سلحانه پیوندند متقابلا وسیع
ترین توده مردم در شهرها و
روستاها را می توان بر مدار
مطالبات بیواسطه و ملموس آنها
علیه رژیم جمهوری اسلامی سازمان
داده و رژیم جنایت بیند فتنها را
در هزاران هزار سنگر درگیر و
فرود ساخته. بدین ترتیب هر
تشکل و تجمع توده ای علنی و نیمه
علنی، باید گاه نیرومندی است که
با اتکا به بدان میتوان مبارزات
کارگران و زحمتکشان خلق کرد را
سازمان داده و پایه توده ای
جنبش را وسیعاً گسترش داد.
از آنچه که در بالا گفته شد

نقش اساسی کار علنی در جنبش
دانش آموزی نتیجه می شود. کمیته
های مخفی دانش آموزی باید از
هر زمینه ای ولو هر چند محدود
برای سازماندهی تشکلهای علنی
استفاده نمایند. تعاونی های
مدارس و تیمهای مختلف ورزشی
برگزاری مسابقات ورزشی بین
کلاسها و مدارس و مدارس و محلات،
ایجاد کتابخانه و ایجاد محافل،
فراگیری زبان کردی و یا مطالعه
ادبیات و فرهنگ کرده، سازماندهی
موردی و یا منظم تفریحات دسته
جمعی و سالم گروهها و انجمنهای
ادبی و فرهنگی و تئاتر و انواع
و اقسام هرچه متنوع و رنگارنگ
تشکلها و جمعیت علنی، همه و
همه عرصه های ایجاد تشکل های
علنی یعنی بازوان علنی -
توده ای سازماندهی جنبش دانش -
آموزی است. وجه مشخصه این
تشکلهای باید استقلال آنها
از نفوذ و تسلط ارگانهای پلیسی
رژیم فتنه مانند انجمن آو
شوراهای انجمنی باشد. هر گاه
رژیم فتنه برای تشکلهای چنگ
انداخت باید ساززه منظم و

سازمان یافته‌ای برای طرفداری آنها
و کسب استقلال این تشکلهای
هدایت کرد .

کمیته‌های مخفی دانش‌آموزی
می‌توانند از طریق سازمان
علنی خود وسیع‌ترین پیوندها را
بین هسته رهبری کننده جنبش
دانش‌آموزی و توده دانش‌آموز
ایجاد نموده و در تلفیق و ارتباط
تذکاتنگ با هم اجزای مکمل
تشکیلات توده‌ای دانش‌آموزی را
بنا کنند .

کمیته‌های مخفی دانش‌آموزی
از طریق ارگانهای علنی خود
می‌توانند رابطه خود را با محلات
کارگری و دانش‌آموزی (فی‌المثل
از طریق ترتیب دادن مسابقات
ورزشی و مبادلات هنری و فرهنگی)
گسترش داده و همچنین با مدارس
همجوار وارد ارتباط گردند .

حمایت و ارتباط با معلمین و
دبیران پیشرو نیز در پوشش
فعالیت‌های علنی می‌تواند به
اشکال مناسب تحکیم یافته
همبستگی انقلابی دانش‌آموزان
رزمنده و معلمین پیشرو را تحکیم
نماید .

ارتباط وسیع با خانواده‌ها
دانش‌آموزان و ترتیب دادن
تجمعات آنها تحت محمل‌های مناسب
نیز می‌تواند پوشش توده‌ای و
همبستگی جنبش دانش‌آموزی را
بمیزان زیادی تقویت نماید .

کمیته‌های مخفی دانش‌آموزی
می‌توانند از طریق بخش اخبار
جنبش انقلابی خلق کرد و اخبار
جنبش کارگری و سراسری و افشاء
رژیم جنایتکار نقها به ارتقاء
همبستگی جنبش انقلابی خلق کرد

و پیوند هرچه بیشتر آن به جنبش
سراسری یاری رسانند . شرکت در
مراسم شهدا و انواع مراسم دیگری
که در ارتباط با جنبش انقلابی
خلق کرد و یا جنبش سراسری برگزار
می‌شود نیز می‌تواند بخشی از -

فعالیت کمیته‌ها در این عرصه
باشد. روشن است که در بخش اخبار
و یا سازماندهی شرکت در مراسم
کلیه جنبه‌های امنیتی کار باید
بدقت توسط اعضا کمیته بررسی
شده و بدقت سازماندهی شود .

اما کمیته‌های مخفی دانش -
آموزی فعالیت تبلیغاتی سازمان‌نگر
خود را حول چه درخواستها و مضامینی

باید سازمان یابد؟ ایمن در خواست پابعمان مطالبات بیواسطه و ملموس عموم توده دانش آموز است که در مقدمه این مقاله مورد بررسی قرار گرفت. نظام اجحاف آمیز آموزشی رژیم جمهوری اسلامی به تابع شدن نظام آموزش به جنک ارتجاعی و قریبانی شدن توده دانش آموز در راه سیاستها جنایتکارانه فقها و فشار بحران اقتصادی بر فرزندان کارگران و زحمتکشان کرد بصورت ارتجاعی سرسام آور هزینه های نوشت افزار و تلک که کردن دانش آموزان به بهانه های گوناگون توسط رژیم سیستم اختلاف و سرکوب مدارس و بنویژه ارگانهای آنها مانند انجمن های اسلامی دانش آموزان، مذهبی کردن مدارس و تحمیل و اجحافات ملی و منجیبی در مدارس کردستان. اینها هستند مظاهر مطالب نظام آموزشی فقها که توده دانش آموز و بنویژه توده دانش آموز وابسته به طبقات محروم و تهیدست با گوشت و پوست خود همه جنبه های آنرا لمس می نموده و عواقب آنرا بدوش

میکنند. بنا بر این کمیته های مخفی دانش آموزی باید:

(۱) در ارتباط با سیاست جنگی رژیم اسلامی و عواقب آن بر روی نظام آموزش کشور دست به افشاگری زده و جنبه های گوناگون سیاست ارتجاعی که به بیبیه ها را بر ملا ساخته و مقاومت دانش آموزان را علیه آن سازمان دهند.

(۲) در زمینه فشار بحران اقتصادی و سیاست اخاذی رژیم جمهوری اسلامی باید حول رایگان بودن نظام آموزش بای فشرده و مطالبه رایگان بودن نوشت افزار را برای دانش آموزان طرح نمایند. از طریق تعاون مدارس می توان اعتراضات دانش آموزان را نسبت به اجحافات سیستم توزیع نوشت افزار دولتی سازمان داده و نحوه استفاده های نامتومات حزب الهی و ارتباط این سیستم توزیع را با بازار حیاه بر ملا نمود. (۳) در مقابل سیستم اختلاف و کنترل پلیسی مدارس باید وسیع افشاگری نموده و کلیه عناوین مربوط به رژیم و نهادهای مربوط به



مقابلہ نمایندہ تحفیل پوشش
اسٹمی تحفیل بزڈگی زن و تحفیل
ستم ملی بز نیمی از دانش آموزان
در کردستان می باشد .

(۵) مقابلہ با مظاہر ستم ملی
در سستم آموزش از وجوہ دیگر
مبارزہ دانش آموزان کرد است .
آموزش و تحفیل تبعیہ ممنوعیت
آموزش زبان کردی ① محدودیت
شدید انتشار آثار فرهنگ و
ادبیات کرد از نشانہ های اعمال
ستم ملی در نظام آموزشی است .

آنها را در مدارس طرد و منزوی
کرد . کمیته های مبنی دانش آموزی
باید در برابر سرکوب دانش -
آموزان و معلمین و دبیران پیرو
و مترقی عکس العمل و افشاگریهای
مناسب و منطقی با جمیعہ توان
مبارزاتی دانش آموزان را سازمان
دهند .

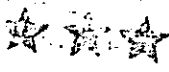
(۴) در برابر سیاست مذهبی
نمودن مدارس باید با همه امکانات
مقابلہ نمود . باید آموزش
خرافات و فرهنگ و سنتهای پوسیدہ
قرون وسطائی و ارتجاعی را بجای
علوم افشاء کرده و از جدائی
مذهب از مدرسه و آموزش علوم
دفاع کرد . رایج کردن مبادلہ
کتابهای علمی و سیاسی بین دانش -
آموزان و ایجاد کتابخانہ های
کوچک و ایجاد انجمن ہا و جمعہات
و مخالف مطالعاتی فرهنگی ، ادبی ،
هنری ، گروهی و تئاتر و ... و
دفاع از علم و هنر و ادبیات در
مقابل تاریخ اندیشی و تحجر مذهبی
توسط کمیته های مبنی دانش آموزی
باید پیگیری شود . مدارس دخترانہ
علاوہ بر موارد بالا باید بویژہ
در برابر تحفیل پوشش اسلامی

زیر نویس

کمیته‌های مخفی دانش‌آموزی در راستای دفاع از حقوق ملی خلق کرد باید با سیاست‌متم ملّی در مدارس باشکال گوناگون مقابله کنند. ایجاد محافل خود آموزی زبان کردی و یا محافل مطالعاتی فرهنگ و ادبیات کرده و اشاعه فرهنگ و ادبیات و مبادله نمودن کتب و ... بزرگاری وسیع مراسم ملی و سنتی می‌تواند گام‌هایی موثر در این جهت باشد. شرکت در مراسم شهدای جنبش و بخش اخبار جنبش انقلابی خلق کرد و جنبش سراسری نیز قوی‌تاد در مبارزه علیه ستتم ملّی می‌توانند کار آیند بیاشد.

در آستانه سال تحصیلی جدید تشریح مضمون تجلیل از همه شهدای گرانقدر جنبش دانش آموزی برای همگام فعالین و رزمندگان پر شور جنبش دانش‌آموزی کردستان آرزوی پیروزی و موفقیت می‌نمایند.

① اخیراً رژیم فقه‌ادعاهائی در جهت تدریس زبان کردی در مدارس نموده است. این اولین بار نیست که حکومت جمهوری اسلامی ادعای چنین عقب‌نشینی‌هایی را میکند. جنبش دانش‌آموزی ضمن افشاء فریبکارها و مانورهای رژیم اسلامی در این زمین، باید با همه قوا بکوشد از این عقب‌نشینی‌های ولوا دعائی حداکثر بهره برداری را در جهت گسترش فرهنگ و ادبیات انقلابی کردی نموده و این عرصه را بجه کارزار جدیدی علیه رژیم فقه‌تبدیل سازد. تنها مبارزه بی‌دگر و بی‌امان خلق کرد در همه زمینها (نظامی و سیاسی) بوده که رژیم اسلامی را وادار بنه بخلین مانورها و یا عقب‌نشینی‌های احتمالی نموده و می‌نماید.



نکته و نظر

انشعابات حزب توده

حزب توده بدنبال شکست سیاستهای خیانتبار و خدا انقلابی خود در دفاع از جمهوری اسلامی اینک دچار انشعابات متعددی شده است. این انشعابات کاملاً وسیع و گسترده است و اکثر سازمانهای منطقه‌ای حزب توده را که همگی در خارج از کشور می‌باشند، فرا گرفته است که نامهمترین آنان را برایتان نقل می‌کنیم.

انشعاب گروه طرفدار نظرات "محمد آزادگر" و دوتن دیگر از اعضای مشاور هیئت مرکزی حزب توده؛ این گروه انتقادات ریشه‌ای به حزب توده دارند و معتقدند سیاستهای حزب توده در دوران جمهوری اسلامی خیانتبار بوده و سابقه انحرافات آن نیز به چند سال بعد از انقلاب محدود نمی‌گردد. بلکه این امر ناشی از اپورتونیزم ریشه‌دار این حزب

می‌باشد. سیاست این گروه تلاش در جهت نابودی حزب توده و تشکیل طیف نوینی از نیروهای چپ - انقلابی می‌باشد.

انشعاب طرفداران سه سازمان حزب توده در مهاجرت: اینان مرکب از سه سازمان منطقه‌ای تشکیلات خارج از کشور حزب توده که در شوروی واقع شده، می‌باشند. این گروه سیاست حزب توده در دفاع از جمهوری اسلامی را خیانتی ارزیابی کرده و خواهان نابودی حزب توده و تشکیل طیف نوینی از نیروهای چپ انقلابی می‌باشند. اینان علیرغم انتقادات مهمی که به حزب توده دارند ولی نسبت به فدائیان اکثریت توهم داشته و در نظر ایشان مبتنی بر تشکیل طیف نوین چپ خواهان شرکت فدائیان اکثریت در این طیف می‌باشند.

انشعاب طرفداران "بایک" امیر خسروی و دوتن دیگر از اعضای مرکزیت حزب توده؛ این گروه ضمن انتقادات فراوانی که به سیاست حزب توده در قبال و بعد از انقلاب دارند و همچنین

افتشای آپورتونیسمن منخط تشکیلاتی این حزب ولی همچنان سیاست خود را پالایش آن قرار داده و خواهان احیای حزب توده میباشند.

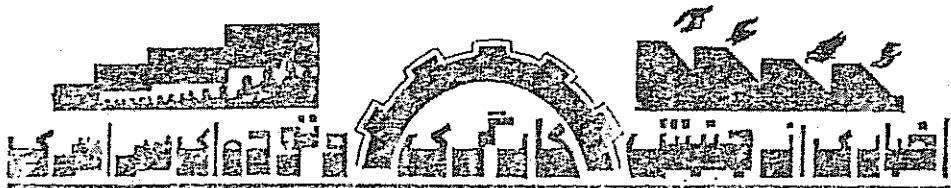
علاوه بر سه انشعاب فوق و گروههای متعددی نیز بدون اعلام انشعاب از حزب توده جدا شده اند. به عبارت دیگر اینک بقای حزب توده حتی در خارج از کشور نیز زیر سوال رفته و زمزمه های مرگ آن آغاز گردیده است. در این میان برادر کوچکتر یعنی فدائیان اکثریت که میتواند در این شرایط کمکی برای حزب توده باشد نیز شدیداً دچار بحران است و ترس از آن دارد که در صورت نزدیکی با حزب توده در شرایط فعلی خود نیز دچار انشعاب گردد. شدت بحران در سازمان فدائیان اکثریت بحدی است که دوباره به یاد گذشته افتاده و سعی دارد با زنده کردن نام سنت فدایی (که زمانی مایه در سرب اکثریت بود) بر موج

نارضایتی درون خود غلبه کرده و عایقی در مقابل انتقال بحران حزب توده به خود درست کند. در حالی که بحران اکثریت نه ناشی از وحدت با حزب توده (که این عامل هم در شدت یابی بحران موثر بوده) بلکه ناشی از آپورتونیزم ریشه دار این جریان و عدم برخورد قاطع با گذشته خیانتبارش می باشد.

کنفرانس ملی حزب توده و پلنوم وسیع فدائیان اکثریت در سیال جاری عمدتاً حول غلبه بر این بحران تشکیل گردیده است. لازم به تذکر است که همراه با شماره ۲۹ نشریه "راه کارکو" ارگان مرکزی سازمان ضمیمه ای با عنوان "تدبیر در قایق واژگون" وجود دارد که حول بررسی مصیبت کنفرانس ملی حزب توده و پلنوم وسیع فدائیان اکثریت می باشد.



پیش بسوی سازماندهی هنرمونی طبقه کارگر



به نقل از نشریه راه کارگر شماره ۲۸

گزارشاتی از اول ماه مه

کارگران ایران کاوه و اول ماه مه

می‌پیوندند. مدیریت و انجمن اسلامی برای خاموش کردن آتش‌سوزی به تکاپو می‌افتند. در همین هنگام کارگران مطلع میشوند که تراکتورها دستنویسی شده‌بی در رختک‌ن و دستشوئیه‌ها پخش شده است که در آن کارگران را به اتحاد و یکپارچگی علیه سرمایه‌داران و رژیم جنایتکار فقه‌ها فرامی‌خواند. کارگران با خوشحالی از این اقدام کارگران مبارز راجع به تراکتها با یکدیگر به صحبت می‌پردازند. مزدوران

کارخانه ایران کاوه در ۱۱ کیلومتر ۱۱ جاده مخصوص کرج واقع شده و تولید آن مونتاژ ماشینهای ماک کاوه است که اکنون به مونتاژ ماشینهای ولوومپرداژ در روز اول ماه مه کارگران بالاچار بسرکار آمدند و همگی از تعطیل نبودن این روز، شدیداً ناراضی و عصبانی بودند. در ساعت ۹ صبح اول ماه مه در قسمت عقب کارخانه، در محل نگهداری صندوقهای خالی آتش‌سوزی بوقوع

رژیم درکارخانه شروع به تجسس برای شناسائی کارگران آگاه و مبارز کردند.

کارگران بافنده سوزنی

و اول ماه مه

کارگران صنف بافنده سوزنی

وخیاط ، امسال اول ماه مه را با بخش شیرینی جشن گرفتند. آنان در تاریخ چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت در یکی از با توق های خود با جمع آوری پول و خرید شیرینی اقدام به برگزاری جشن نمودند.

رکود تولید و بیکاری کارگران

آخراج کارگران شوکت
ها ماراگ

بنام خیبر (وابسته به یکی از ارگانهای رژیم) مستجین شده و قرار است امتیازات واردات شرکت ها ماراگ به شرکت خیبر منتقل شود.

تعطیلی و اخراج در پالایشگاه

پتروشیمی اراک

پروژه ایجاد پالایشگاه

پتروشیمی اراک بخاطر نبود ارز و

عدم پیشرفت تا ۲۰٪ مصوبه دولت

تعطیل شد و دوهزار نفر پرسنل

آن اخراج شدند.

کارخانه پلی اکریل

این کارخانه در ۵۰ کیلومتری

امپهان واقع شده و دوهزار و پانصد

این شرکت دولتی و تحت پوشش وزارت بازرگانی است. حدود هشتصد نفر پرسنل دارد و واردکننده ماشین آلات راهسازی (لودره بولدزره گریدر و ۰۰۰۰۰)

است. با خراب شدن وضعیت ارزی رژیم اسلامی و از اواسط اردیبهشت از طرف شرکت بتدریج کارگران قدیمی و سایر کارکنان باز خرید شدند و بده بقیه کارکنان مستقیم و غیرمستقیم گفته شده که دنبال

کار دیگری باشند. عده کسی از کارکنان شرکت توسط شرکت دیگری

حقوق و مزایای کارگران جبران
نماید اما با مقابله شدید
کارگران مواجه شده است.

کارگر دارد، اخیرا کارخانه بعثت
کمبود مواد اولیه بمدت ۴۵ روز
تعطیل گردید. زیان حاصل از این
تعطیلی را مدیریت می‌خواهد با کسر

اخبار کوتاه

انداخته و چند روز غذایی دادند
تا بگویند پسرمان کجاست!

وحشیگریهای رژیم

برای سر بازگیری

تخریب آلونک‌های
رحمتکشان قلعه حسنخان
در تاریخ ۶۵/۲/۸ مزدوران
رژیم به محله باغ گرانمایه واقع
در قلعه حسنخان یورش برده و چند
خانه را که نیمه ساخته بود خراب
کردند. در ساعت ۸ صبح نماینده
شهرداری تهران به همراه تعدادی
از پاسداران جنایتکار و بایگ
لودر به محله وارد شدند. مزدوران
جنایتکار پس از تهدید و کتک زدن
ساکنان خانه‌ها، رحمتکشان را با
زور از خانه‌ها بیرون کرده و شروع

در روستاهای آذربایجان
ماورین ژاندارمری شبها به دها
رفته و مخفیانه به حرفهای اهالی
گوش میدهند تا دریابند که فرزندان
سربازانها کجا پنهان شده‌اند.
ماورین ژاندارمری با اهالی و
کتک زدن اهالی و تهدید به اینکه
اگر سربازها را معرفی نکنند آنان
را به طویل (بعنوان زندان!)
خواهند انداخت، وحشیگری بی
سابقه‌ای راه انداخته‌اند. اخیرا
در روستای "کجل" زن روستائی
را در توالی پاسگاه "آقکند"
زندانی کرده و مردی را به طویل

پیش بسوی سازماندهی تشکلهای توده‌ای!

اجباری ندهند. روز بعد که سرپرست لیستها را کنترل می‌کسرد متوجه می‌شود که هیچکدام از کارگران حاضر به اضافه کاری نشده‌اند. ساله‌را با مدیریت در میان می‌گذارد. مدیریت کارگر معترض را به همراه ۹ نفر دیگر از کارگران اخراج می‌کند. حرکت اعتراضی کارگران نسبت به تصمیم مدیریت گسترش می‌یابد و سرانجام مدیریت عقب می‌نشیند.

حمله مزدوران رژیم به بوتیک‌داران

بدنبال حملات رژیم به بوتیک‌داران و فروشندگان لباسهای خارجی، در تاریخ ۲۰ و ۲۱ اردیبهشت ماه مزدوران کمیته‌چی به بوتیک‌های منطقه نازی آباد تهران حمله کرده و درب تمام منازل را مهروموم نمودند. صاحبان منازل که حدود صد نفر بودند، علیه این اقدام کمیته‌چی‌ها شروع به اعتراض نموده و شعارهای "مرگ بر کمیته‌های و بیجی" سردادند. مزدوران مسلح رژیم بوتیک‌داران را

به تخریب خانه‌ها نمودند. خانه زمکشان شامل یک اتاق ۴ × ۳ متر در یک زمین مخروبه بوده که در چند قدمی این "اتاقها" یک حفره ایجاد شده بود که از آن بعنوان توالی استفاده می‌کردند. در هنگام تخریب، زنان بچه‌های خود را بغل کرده و گریه می‌کردند. آنان از مزدوران خواهش می‌کردند که به آنها رحم کرده و سرپناهنان را خراب نکنند. مردمی که شاهد این اعمال وحشیانه بودند، به رژیم فحش میدادند.

مقاومت در برابر

اضافه کاری اجباری

در کارخانه ایران ابزاری تاکنون مدیریت کارگران را وادار به اضافه کاری اجباری مینمود. کارگران می‌بایست هوشب چهارشنبه تا صبح برای اضافه کاری در کارخانه میماندند. در تاریخ ۲۲/۲/۶۵ یکی از کارگران با سرپرست بخاطر اضافه کاری اجباری درگیر می‌شود. کارگران با اطلاع از این درگیری، بیکدیگر قول میدهند که تن به اضافه کاری

پراکنده نموده وعده‌ای از آنها را دستگیر کردند. در بعد از ظهر همان روز بوتیک داران دستگیر شده را در جلوی مسجد نازی آباد شلاق زدند. مزدوران کمیته چسی

در روزهای بعد شروع به شکستن شیشه‌های مغازه‌ها نمودند و در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه در ساعت ۲ الی ۳ بعد از نیمه شب، یکی از مغازه‌ها را به آتش کشیدند.

اخباری از بلوچستان

تشدید جو سرکوب در بلوچستان

اخیراً رژیم در ارتباط با منطقه بلوچستان دست به اقداماتی زده است که بیانگر توجه رژیم به این منطقه حساس می‌باشد. مضمون اصلی و هدف واقعی رژیم از این اقدامات سرکوب توده‌ها، محدود نمودن امکانات برای بلوچها و در تحلیل نهائی تقویت پایه‌های رژیم در منطقه می‌باشد. از جمله اقدامات رژیم در دور جدید در بلوچستان که با ظاهر مبارزه با قاچاق صورت می‌گیرد آمدن مقتدائی سخنگوی شورای عالی قضائی و سازمان‌دادن "هماهنگی داسرا و کمیته انقلاب اسلامی" و کار اطلاعاتی "است. در همین رابطه

رژیم مبادرت به برگزاری سمیناری برای بررسی مسائل اعتیاد داشته است که تصمیمات آن حاوی نکاتی مهم که نشان می‌دهد این اقدامات با هدف مبارزه با قاچاق صورت نمی‌گیرد بلکه با هدف واقعی ایجاد محدودیت برای خلق بلوچ دنبال می‌شود. در این سمینار قطعنامه‌ها صادر گردید که از جمله تصمیمات آن " بستن دقیق مرزها و مشخص کردن نقاط ورود و خروج از مرز ۰۰۰ تخلیه قوای مستقر در نقاط مرزی ۰۰۰ ایجاد قرارگاه مشترك در استانهای مرزی " می‌باشد. هر روز که از عمر ننگین این رژیم می‌گذرد با اتخاذ سیاست‌های سرکوبگرانه خود توده‌های بیشتری را از حکومت ضد انقلابی اش منزجر می‌نماید.

ستم مذهبی بر مردم نگور
در تاریخ ۱۳۸۷/۱ شهرداری
بخش نگور همراه با تنی چند از
ماموران انتظامی با بولد زر
دست به تخریب مدرسه دینی اهل
تسن می‌زنند. اهالی نگور از این
حرکت که به حقوق و اعتقادات
مردم تجاوز شده بود به خشم
آمده و با بسیج زنان و جوانان
و مردان سن جلوی در ورودی شهر
- داری دست به تحصن می‌زنند.
شهردار که از قبل از این هدف
مردم باخبر شده بود، توسل نیروها

سرکوبگر جلوی حرکت مردم می‌ایستد.
اهالی نگور به محض آمادگی
شهردار و برای سرکوبی آنها با
چوب و چماق و سنگ پرانی به
شهرداری حمله می‌نمایند که در
نتیجه شهردار و تعدادی از مامور
رین زخمی می‌گردند. پنج روز بعد
چند ماسین افراد سیاه به کمیته
- ای و ژاندارمها از جاه بهار
به نگور می‌آیند و ۱۲ نفر از اهالی
راد سنجیکر نموده و به شهر
می‌برند که از سر بهشت این ۱۲
نفر اطلاعی در دست نیست.

متن پیام تسلیم کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
(شورای عالی) در رابطه با شهادت رفیق حمید طهماسبی

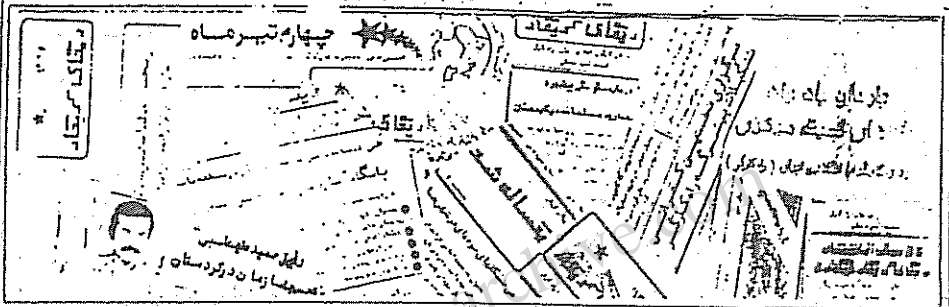
رفقای کمیته کردستان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
با دروهای کمونیستی!

ضایعه تاسف بار شهادت رفیق حمید طهماسبی (کاک محمود) عضو
کمیته مرکزی و مسئول کمیته کردستان آن سازمان، برای جنبش ما،
فدائی است جبران نابذیر.

ماضن ابراز تاسف از حادثه ناگواری که منجر به شهادت رفیق
حمید گردیده این ضایعه دردناک را به کمیته مرکزی و اعضا سازمان
کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) تسلیم می‌کنیم.
کمیته کردستان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۲۳ / تیر / ۱۵

بمناسبت آغاز چهارمین سال انتشار نشریه ریگای کریکار



آن تاریخ می گذرد. طی این مدت ریگای کریکار لاینقطع و بیگیره در جهت انجام وظایقی که فرا روی بنیاد در صفحه ۱۹

شهریورماه سال ۱۳۶۲ اولین شماره نشریه "ریگای کریکار" ارگان کمیته کردستان سازمان ما انتشار یافت. اکنون سه سال از

مابرای تدارک صادره
اتاقی خورده کباب
مالی شان از مناسبت

با نشریه
ریگای کریکار
مکاتبه کنید!

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر